

روی موج کوتاه

امیر عبداللهیان در بیروت:

ابتکار سلطان عمان برای لغو تحریم‌ها روی میز قرار دارد

وزیر خارجه گفت: ایران از اراده سیاسی لازم برای رسیدن به نقطه توافق و بازگشت همه طرف‌ها به اجرای برجام برخوردار است. درباره به کارگیری دیپلماسی برای لغو تحریم‌ها، اکنون ابتکاری از سوی سلطان عمان روی میز قرار دارد و در چارچوب آن ابتکار، تبادل پیام‌هاین ما و طرف‌های دیگر در جریان است. حسین امیرعبداللهیان دیروز در نشست خبری در محل سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت با بیان اینکه بازگشت روابط ایران و عربستان را گام مثبت تلقی می‌کنیم، اظهار داشت: تعداد دیگری از کشورها در حال گفت‌وگوهای آشکار و یا محرمانه با ما برای بازگرداندن روابط به حالت طبیعی هستند.



بلومبرگ:

آژانس کند شدن انباشت اورانیوم ایران را تأیید می‌کند

بلومبرگ پنج‌شنبه، گزارش داد که شماری از همکاران آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأیید می‌کنند، ایران سرعت غنی‌سازی اورانیوم را کاهش داده است. بنابراین گزارش، انتظار می‌رود این مسئله در گزارش که پیش از نشست فصلی شورای حکام آژانس در بیستم شهر یور منتشر می‌شود انعکاس یابد. بلومبرگ می‌گوید، کاهش سرعت غنی‌سازی اورانیوم در ایران و به تبع آن تعدیل شتاب ذخیره اورانیوم غنی شده نتیجه مذاکرات غیرمستقیم میان تهران و واشنگتن و توافق نانوشت‌میان آنهاست.



معاون پارلمانی رئیس‌جمهور: لازم است برای تک‌تک اقدامات رئیسی فیلم و سربال ساخته شود

ایرنا نوشت: معاون پارلمانی رئیس‌جمهور، تقدیر رهبری از عملکرد دوساله دولت مردمی و عدالت‌گرا را مدال افتخاری برای دولت سیزدهم خواند و گفت: لازم است برای تک‌تک این اقدامات و دستاوردها مستند و حتی فیلم و سربال ساخته‌شده و نمایشگاه برپا شود. سید محمد حسینی گفت: در این دولت تاکنون پروژه‌های بزرگی به بهره‌برداری رسیده است، ولی جذاب و هنرمندانه به مردم و حتی در مواردی برای خواص تبیین نشده، در نتیجه آن چنان که سزاوار است مایه دلگرمی، امید و نشاط در جامعه نشده است.



مهدی کروبی:

حاکمیت با بستن راه مشارکت، درصدد تکرار مجلس فعلی است

مهدی کروبی در پیامی خطاب به کنگره حزب اعتمادملی نوشت: «حاکمیت با وجود ادعای دعوت به انتخابات، همه راه‌های مشارکت را بسته است و درصدد تکرار مجلس فعلی است.» وی می‌گوید که حاکمیت می‌خواهد «در چنین مجلسی بدون حضور احزاب مخالف، هرچه به صورت غیرقانونی انجام می‌داد، قانونی سازد. باید این توطئه را افشا و خنثی ساخت». کروبی از اعضای حزب اعتمادملی خواست با ملت حرف بزنند و «دولت و مجلس و کل حاکمیت را نقد» کنند.



نماینده مجلس:

قرار نیست نخبگان را به هر قیمتی تکه داریم!

عضو کمیسیون امور داخلی مجلس با بیان اینکه موضع‌گیری‌های اساتید اخراج‌شده، ضدمردمی بوده است، گفت: قرار نیست مانخبگان را به این قیمت که هر کاری بخواهند انجام دهند، در کشور تکه داریم. محمدصالحی در خصوص اخراج سربالی اساتید از دانشگاه‌ها، اظهار کرد: خبرگزاری‌های خارجی در حال بزرگنمایی این موضوع هستند. اگر استادی در حال همکاری با رسانه‌های معاند است، دولت وظیفه دارد با او برخورد کند و مانع تشویش افکار عمومی شود. وی افزود: اگر استادی تعلیق یا اخراج شده است اما اسناد متقنی در مورد همکاری او با معاندین وجود ندارد، می‌تواند شکایت کند. اگر پس از بررسی‌هایی گناه‌اش اثبات شود، قطعاً به دانشگاه باز خواهد گشت.



پیشنهاد متفاوت مشاور احمدی‌نژاد به رئیسی: رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت را عزل کنید

مشاور پیشین محمود احمدی‌نژاد به ابراهیم رئیسی پیشنهاد داد تا رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت را عزل کند. عبدالرضا داوری، در توییتی نوشت: «ای‌پاالله خامنه‌ای ضعف اطلاع‌رسانی دولت را مانند غباری دانستند که مانع از دیده شدن کارهای اساسی دولت است. جناب آقای رئیس‌جمهور! با توجه به اینکه انتقاد صریح رهبر معظم انقلاب، مستقیماً متوجه رفتارهای شورای اطلاع‌رسانی دولت است، همین امروز آقای سپهر خلجی را عزل کنید.»

ابراهیم فاطمی

این روزها گاهی که در مژه‌های رایج بین مردم دقیق‌تر می‌شوید، می‌بینید که گاه از خلوت شدن مساجد و کم‌رنگ‌تر شدن حضور در مناسک دینی و چیزهایی از این قبیل می‌گویید. منتقدان چنین روایت‌هایی هم البته همه این حرف‌ها را تحلیل‌های «تاکسی‌طور» می‌دانند و معتقدند وقتی که این حجم از جمعیت در مراسمی مثل اربعین و... حضور دارند، اساساً چنین حرف‌هایی محلی از اعراب نداشته و ندارد. اما موضوع چیست؟ واقعاً حضور مردم در اماکن دینی و مذهبی چون مسجد کم‌رنگ‌تر شده یا نه؟ ظاهراً که در این باره نگرانی‌هایی وجود دارد. اخیراً علی حسینی، امام جمعه بروجرده جمله‌هایی را گفته که حساسی تأمل برانگیز است. او گفته که چون حضور مردم در مسجدها کم است، ناچارند در پارک‌ها نماز جماعت بخوانند؛ تا هم جمعیت بیشتری حاضر شوند، هم از فرصت استفاده کرده و مسائل اخلاقی و سیاسی را مطرح کنند. او همچنین گفته: «گروه زیادی از مردم در نماز جمعه نیز شرکت نمی‌کنند. حتی در راهپیمایی نیز شرکت نمی‌کنند. لذا برای افزایش حضور مردم، در پارک‌های سطح شهر نماز جماعت برگزار می‌شود.»

تبلیغات علیه مساجد

جدا: گفته‌های علی حسینی، پیش از این نیز به صورت رسمی اشاراتی به این معضل شده بود. مرادامسال محمدرضاناصری، نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه یزد نیز مشابه این موضوع را گفته بود. او اشاره کرده بود که «در فضای مجازی تبلیغات زیادی علیه مساجد وجود دارد که باعث شده این پایگاه مهم سیاسی، اجتماعات در میان مردم جامعه به ویژه جوانان و نوجوانان کم‌رنگ شود.»

ناراحتی حکومتی‌ها از کم‌رونی مساجد

همچنین اخیراً، سیدناصر میرمحمدیان، مدیرعامل بنیادهدایت‌سازمان تبلیغات اسلامی به یکی از خبرگزاری‌ها گفته: «مائی که رهبر معظم انقلاب دستور جهاد تبیین دادند، مساجد آن گونه که باید، پای کار نیامدند و کم‌کاری کردند. هر زمان مساجد پای کار بیایند و نقش تبیینی خود را ایفا کنند، بسیاری از مسائل و مشکلات برطرف خواهد شد.» او همچنین اشاره کرده بود که بخشی از دلایل آشوب‌های اخیر، این بوده که افراد «مطمئن» و «مسلطی» در مساجد وجود نداشته که جوانترها بتوانند شبهه‌های خود را در آن‌ها رفع کنند. به‌واقع می‌توان گفت که مساجد، به گونه‌ای دارنده فعالیت می‌کنند که هم از سوی مردم متهم به سوءکارکرد شده‌اند و هم از نظر حاکمیت؛ هرچند که نگاه این دوه به کارکرد مساجدی می‌تواند کاملاً با هم متفاوت باشد. جالب این که یکی از خبرگزاری‌های رسمی کشور، به‌تازگی گزارشی نوشته‌دال بر اینکه جایگاه مساجد به حدی رسیده که طلبه‌ها بعد از فارغ شدن از تحصیل، آخرین اولویت‌شان امام جماعت مساجد بودن است و علاقه کمی به این کار

چرا مسجدها به گونه‌ای از رونق افتاده‌اند که امام جمعه بروجرده نماز را در پارک اقامه می‌کند؟

سکوت مساجد در غوغای حکومتی شدن دین



دارند. البته در این گزارش، اشاره هم شده که: «۱۹ دستگاه کشور پاسخ دهند، چرا مساجد خلوت شده و جایگاه امام جماعت این قدر افت کرده؟»

چرا مساجد به حاشیه رانده شدند؟

واقعاً چرا چنین اتفاقی افتاده؟ مساجد که زمانی اصل و اساس جامعه ما محسوب می‌شدند و حتی انقلاب اسلامی نیز از درون آن‌ها جرقه زده شد، چرا این چنین به حاشیه رانده شدند؟ شاید یکی از دلایل را بتوان وجود رقبایی برای مسجد دانست. در حالی که بزرگترین چهره‌های روحانی صدر انقلاب، خود غالباً امام جماعت مسجدی نیز بودند و با حضور در این مساجد، اقدام به ارتباط گرفتن با مردم می‌کردند، بعدها روحانیون سرشناس سعی کردند که سخنرانی‌ها و حضور خودشان را به هیأت‌ها و برخی مجالس خاص محدود کنند. چنین شده که غالب مساجد از ائمه جماعت قوی خالی شدند و به قول رضاغلامی، قائم‌مقام بنیاد هدایت، طلبه‌های از همه‌جارانده شده، ایفاگر این نقش‌ها شدند. شاید دلیل بعدی را هم بشود در رقبایی که برای اوقات

دراغت جوانترها ایجاد شد، دانست. از دهه هفتاد شمسی به بعد که فرهنگسراها و خانه‌های فرهنگ و... شروع به کار کردند، جوانترها گزینیه‌های بیشتری برای پرکردن اوقات فراغت‌شان یافتند. یکی از دلایل حمله به فرهنگسراها و شهرداری زمان کرباسچی و... نیز، همین امر بود.

واما مهمترین دلیل خلوتی مساجد!

اما شاید این‌ها را نشود مهمترین دلایل برشمرد. پس مهمترین دلیل چیست؟ شاید در بخشی از سربال‌های مذهبی و دینی، همچون مختارنامه و امام‌علی علیه‌السلام دیده‌باشید که مساجد، جایی برای اعتراض مردم عادی بوده و اغلب، افرادی که به وضعیت کلی و حکومتی معترض بودند، در این‌جا اعتراض خود را ابراز می‌کردند. به‌واقع مساجد، زنده بودند و همین‌امر، جاذبه ایجاد می‌کرد. این‌در حالی است که امروزه یکی از نقدهای مهم مردم به روحانیون و حوزه‌های علمیه و مساجد، این است که چرا در برابر سوءکارکردهای حاکمیتی، صدایی از آن‌ها بر نمی‌خیزد؟ وقتی که مردم این همه مشکل دارند و این همه فساد را مشاهده می‌کنند، چرا مساجد و روحانیون و... ساکت هستند؟ همین امر موجب دور شدن تدریجی مردم از مساجد و روحانیون مستقر در مساجد شده است. نکته خاص‌تر این که اگر مسجدی و روحانی‌ای و... هم پیدا نشود که نقدی وارد کند، هم از طرف طیف مذهبی‌های طرفدار حاکمیت مورد هجمه قرار می‌گیرد و هم باید در انتظار برخورد‌های احتمالی باشد. همه این‌ها، یعنی مسجد از عنصر زنده بودن و نقادی خود خالی می‌شود.

مساجد: حکومتی یا مردمی؟

به واقع دلیل اصلی را، شاید بشود حکومتی

شدن مساجد در مقابل مردمی بودن آن‌ها دانست. پیش از این مساجد نهادی مردمی بودند که هم مدیریت آن‌ها و هم تجمع مردم در آن‌ها با موضوع رفع معضلات و مشکلات اجتماعی پیرامون مسجد در محلات شکل می‌گرفت. یعنی اگر کسی می‌خواست کمکی به خانواده‌ای کند یا محوریت مسجد این کار را انجام می‌داد؛ یا اگر کسی قصد عزاداری داشت یا... این کار را در مسجد انجام می‌داد. اما امروزه نوع مدیریت امور مساجد و هیئت‌امنائ آن‌ها و... این مراکز دینی را به شدت محافظه‌کار کرده است؛ در نهایت صرفاً مواضعی به نفع حاکمیت دارند که این‌امر رفته‌رفته برای مردم تبدیل به امری ناخوشایند شده است.

دینی که در مناسک خلاصه شد

اما نکته مهم‌تر در این باره، راباید مناسکی شدن دین و به قول برخی جامعه‌شناسان دین همچون محسن حسام‌مظاهری، فریه شدن مناسک دینی دانست. البته که دین، بدون مناسک ظاهری وجود ندارد؛ اما وقتی که این مناسک از جایگاه تعیین

شاید بتوان حکومتی شدن مساجد در مقابل مردمی بودن آن را یکی از دلایل کم‌رونی آنها دانست. پیش از این مساجد نهادی مردمی و محل طرح معضلات و مشکلات اجتماعی و سیاسی بود، اما امروزه مساجد صرفاً مواضعی به نفع حاکمیت دارند که این امر رفته‌رفته برای مردم تبدیل به امری ناخوشایند شده است

شده خود خارج شده و نقش پوشاندگی برای خلأ اخلاقیات و اصول دین و... را پیدای می‌کنند، مشکل اصلی پیدای می‌شود. هیچ مناسک دینی بدون وجود یک مکان دینی قابل تصور نیست. چنین است که مساجد، جزو محورهای مناسک دینی قریه شده قرار می‌گیرند و اساساً به جایی می‌رسند که حتی اگر اخلاقیات و دیگر مبانی دینی در آن‌ها کم‌رنگ شده باشد، چندان احساس خطر نمی‌کنند.

میدان رقابت متولیان دینی

به قول این جامعه‌شناس دینی، رفته‌رفته این مناسک، حتی میدان رقابت متولیان دینی هم قرار می‌گیرند و این امر، مساجد را از کارکرد اصلی خود تهی می‌سازد. جالب این که چنین جامعه‌شناسانی، از معضل آیین‌سازی دینی در ایران صحبت می‌کنند که رفته‌رفته، باعث می‌شود تاجوانترها را جذب این موارد سازد و عملاً مساجد از حضور آن‌ها تهی شود. جالب این که او در مهمانی کیلومتری امسال غدیر، نقدی نوشت که سر و صدای زیادی به پا کرد. این یادداشت، با عنوان «رقابت پوچ کیلومترها» نگاشته شد. کل قصه این بود که سابق بر این، مناسک و آیین‌هایی چون عزاداری‌های محرمی و عاشورایی، البته که با محوریت مرکزی میادین یا مساجد جامع و... و شهری برگزار می‌شد اما هر محله و دسته عزاداری، با خرده فرهنگ و آیین‌های عزاداری منحصر به فرد خودش در آن حاضر می‌شد؛ یعنی کثرت در حین وحدت. اما امروزه آیین‌سازی‌هایی چون مهمانی‌های کیلومتری غدیر، اساساً باعث گم‌گشتگی فردیت و هویت‌های دینی خرد در یک ایده بزرگ‌تر شده است؛ به تعبیر ساده‌تر، توده‌سازی مردم که طبیعتاً از منظر جامعه‌شناختی، به کنترل ساده‌تر آن‌ها منجر می‌شود. در این نیت کلی برای کنترل ساده‌تر شهروندان است که اساساً مساجد هم از هویت ذاتی خود تهی می‌شوند و به تعبیر برخی روحانیون، صرفاً نمازخانه‌ای هستند و دیگر هیچ.

ظرفیتی که خاموش شد

ماجرای حکومتی شدن و حکومت زده شدن دین و مراکز دینی، بحثی نیست که به امروز ختم شود؛ بحثی دنباله‌دار است که در گذشته نیز درباره‌اش صحبت می‌شد. رسول جعفریان، پژوهشگر تاریخ و دین، در این باره و در عصر صفویان نیز پژوهش‌های زیادی انجام داده است؛ پژوهش‌هایی که نشان می‌دهد اساساً صفویان باهوش، به نوعی از دین و مناسک و آیین‌سازی‌های دینی، به عنوان اهرم و دلیل ماندگاری خود سود برده‌اند. در روزگار پیش از انقلاب نیز اندیشمندانی چون علی شریعتی و... درباره این موضوع بسیار سخن گفته‌اند. چنین می‌شود که امروزه، می‌بینیم تا ۸۰ تا ۸۰ هزار مسجد ایرانی، که می‌تواند ظرفیتی پایان‌ناپذیر از نهادی دینی مردمی برای رفع مشکلات مردمی و ایجاد ارتباط مردم و حاکمیت باشد، عملاً کارکرد خود را از دست داده‌اند و به قول معروف، در خیلی از آن‌ها بسته است و چراغ‌شان خاموش.

«فساد فی الارض»، «مبارزه»، «تخریب اموال»، «ایجاد حریق» و «هتک حرمت به قرآن» اتهام‌هایی بود که دادگاه انقلاب ساری علیه جواد روحی مطرح کرد و او برایشان حکم «سه بار اعدام» گرفت.

دیوان عالی کشور در خرداد ماه حکم اعدام جواد روحی را نقض کرد و بر این مبنایابد دوباره به پرونده او رسیدگی می‌شد. دو ماه پس از نقض حکم، جواد روحی همچنان با تکلیف بود و دادگاه‌های مزاندران در چگونگی رسیدگی به پرونده او تصمیم نمی‌گرفتند.

مجید کاوه و کیل جواد روحی، سه هفته پیش از جان باختن موکلش تحت بازداشت به روزنامه شرق گفته بود که انتظار دارد تا به زودی این مساله رفع شود و «امکان ارائه تقاضا مبنی بر تبدیل قرار تأمین کیفری موکل از بازداشت موقت به سایر قرارهای تأمین خفیف‌تر برای آزادی او از زندان و بازگشت به آغوش خانواده با توجه به نقض حکم بدوی در دیوان عالی کشور و نیز موجبات رسیدگی مجدد و دفاع از موکل در دادگاه هم‌عرض فراهم شود.» اما به این خواسته رسیدگی نشد و جواد روحی پس از ۳۴۴ روز «بازداشت موقت» در حبس جان باخت.



بیماری او را مطرح کرده، نوشته است: «بفرمایید چرا با توجه به چنین سابقه‌ای، جواد روحی در زندان بوده است؟» در همین راستا، نماینده پارلمان اسپانیا که کفالت سیاسی جواد روحی را بر عهده گرفته بود، با ابراز تأسف از خبر مرگ جواد روحی از خواستار توضیح مقامات ایرانی شد. انریکو سانتیاگو، سانتیاگو در شبکه اجتماعی اکس (توییتر سابق) نوشت: «خبر تأسف‌آوری دریافت کردیم که جواد روحی، زندانی سیاسی محکوم به اعدام در ایران، به دلایل نامعلومی در زندان در گذشت. ما از مقامات ایرانی می‌خواهیم که این مساله را توضیح دهند و روشن شود که مسئول این مساله چه کسی بوده است.»

بارها از کشورها خواسته است در امور این گروه دخالت نکنند. دستیار وزیر خارجه ایران و مدیر کل آسیای جنوبی این وزارتخانه در واکنش به اظهارات امیرخان متقی، وزیر خارجه طالبان درباره دولت ایران در ایکس (توییتر سابق) نوشت: «با توجه به جنبه‌سازی و شخصی‌سازی موضوع نمی‌توان از مسئولیت‌های بین‌المللی گریخت». رسول موسوی، دانش‌ر ویدیوی سخنان متقی، نوشت: «صلح، ثبات، امنیت و توسعه پایدار در استقرار حکومتی فراگیر در افغانستان است، و اجماع نشست‌های وزرای خارجه کشورهای همسایه افغانستان در پاکستان، ایران، چین و ازبکستان است.»

واکنش‌ها به مرگ جواد روحی ادامه دارد

«درگذشت» معترض تحت بازداشت در بیمارستان نوشهر

خبرگزاری تسنیم نیز بازداشت پدر و مادر او را تکذیب کرده و نوشت: «اتهام‌ها همه‌ا برخی دوستان و آشنایان‌شان در مراسم تدفین پسر خود در یکی از روستاهای اطراف آمل شرکت داشتند.» به گفته تسنیم، در مراسم تدفین، «تعداد معدودی قصد سردادن شعارهای ساختار شکن برای ایجاد درگیری داشتند» که «پدر و مادر وی مانع آنها شدند»

سوابق پزشکی روحی در پرونده

جواد روحی قبل از بازداشت، چندین نوبت با سابقه تشنج در بیمارستان بستری شده است. همچنین مر و حوم روحی در سابقه پزشکی و شرح حال خود در بیمارستان اقدام به خودکشی را عنوان کرده است. نکته قابل توجه در این میان آن است که سابقه بیماری وی، بارها مطرح شده و بایان حال در تاریخ انتقال به بیمارستان، در زندان به سر می‌برد. محسن برهانی، حقوق‌دان تصویری از خبر منتشر شده در خبرگزاری میزان، که از سوابق

قوه قضاییه عصر پنجشنبه مرگ جواد روحی را در بیمارستان نوشهر تأیید کرد. روابط عمومی قوه قضاییه اعلام کرد: جواد روحی در ساعت‌های آغازین پنجشنبه دچار «تشنج» شده و به بیمارستانی در نوشهر منتقل شد، اما با بی‌نتیجه بودن اقدامات درمانی در گذشت. مجید کاوه، وکیل روحی، اعلام کرد که مرگ او به خانواده‌اش اطلاع داده شده است. علت مرگ جواد روحی هنوز روشن نیست و روابط عمومی زندان نوشهر گفته است که دوربین‌های مدار بسته زندان و وسایل شخصی جواد روحی، از جمله یادداشت‌ها و داروهای او بررسی خواهد شد و همچنین پیکر او برای کالبدشکافی و آزمایش سم‌شناسی به پزشکی قانون فرستاده شده است. ظاهراً این مراحل به سرعت طی شده است، چرا که خبر رسید «مراسم خاکسپاری جواد روحی، همان روز پنج‌شنبه ۹ شهر یور با حضور اعضای درجه اول خانواده در روستای کیلکان آمل انجام شد.»

خبر

امیرخان متقی در اظهاراتی بی‌سابقه مطرح کرد: ایران واکنش نشان داد

مقایسه اعدامی‌ها و ناپدیدشدگان ایران و طالبان

شده، اما کسی جرأت پرسیدن درباره آن را ندارد.» وزیر خارجه طالبان با اشاره تلویحی به درخواست حسین امیرعبداللهیان، وزیر خارجه ایران برای تشکیل حکومت فراگیر در افغانستان، از او پرسید: «آیا شما حکومت فراگیر دارید؟» به گفته وی، طالبان چگونگی تشکیل حکومت خود را یک «مسئله داخلی» دانسته و

وزیر خارجه طالبان، در اظهاراتی بی‌سابقه به مقایسه شمار اعدامی‌ها و ناپدیدشدگان ایران و افغانستان پرداخت. امیرخان متقی، در نشست علمای حامی این گروه در کابل، با مقایسه وضعیت ایران و افغانستان گفت: «در زندان‌های ما آن قدر زندانی نیست که شما اعدام می‌کنید.» وی افزود: «در کشور شما هزاران نفر ناپدید